

نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده‌امامی

موسی‌الرضا بخشی‌استاد^۱، رمضان رضایی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۸/۵ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۸)

چکیده

مقاله حاضر به بررسی نقش مدارس در گسترش تشیع در ایران عصر صفوی پرداخته است و هدف آن نشان دادن تأثیر مدرسه بر روند گسترش تشیع دوازده‌امامی در ایران است. احداث مدارس در عصر صفوی از رشد صعودی و از حمایت حکومت صفوی برخوردار بود. در وقف‌نامه‌های مدارس به‌ویژه مدارس شیعه توجه می‌شد. مدارس در این دوره تا حد ممکن به مذهب رسمی کشور و معارف شیعه اختصاص داشت. مدرسه از طریق تعلیم‌یافتگان خود نقش مهمی را در ترویج و گسترش تشیع در جامعه ایفا کرد. آنان پس از تعلیم در مدارس به‌ویژه مدارس شهرهای بزرگ در سمت‌های مختلف رسمی و غیررسمی در تثبیت و گسترش تشیع تأثیرگذار بودند.

کلیدواژه‌ها: تشیع دوازده‌امامی، تعلیم و تربیت، صفویه، مدرسه.

Rezabakhshi1385@ymail.com

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه تاریخ دانشگاه فرهنگیان، تهران

۲. استادیار دانشگاه تهران

مقدمه

برپایی حکومت صفوی در اوایل سدهٔ دهم هجری، نقطهٔ عطفی در تاریخ ایران اسلامی است؛ زیرا علاوه بر ایجاد حکومتی یکپارچه در ایران، تشیع دوازده‌امامی نیز رسمیت یافت. در حالی که به نظر بیشتر پژوهشگران، اکثریت مردم ایران پایبند مذهب شیعه نبودند [۴۳، ص ۵۰] و از احکام فقهی و مسائل مذهب تشیع آگاهی کافی نداشتند [۲۴، ص ۱۶]. باورهای دینی پیش از صفویه با آنچه صفویان و ساختار دینی وابسته به آن ارائه می‌داد، تفاوت‌هایی داشت. جامعهٔ پیش از صفویه، زندگی اجتماعی و حتی سیاسی خود را بر بنیاد آموزه‌های فقهی دیگری تنظیم کرده بود، اما حاکمان صفوی می‌بایست جامعه را بر پایهٔ قانون شرع و فقه شیعی اداره می‌کردند؛ از این‌رو، شعائر و عناصر فرهنگ شیعی، فرصت و امکان ظهور یافتند. نظام اجتماعی برقرار شده براساس تشیع دوازده‌امامی، صرف‌نظر از اینکه تا چه اندازه با آموزه‌های اصیل شیعی و تعالیم امامان شیعه هماهنگی داشت، مردم ایران را تحت تأثیر قرار داد. این چرخش اندیشه‌ای برای کسانی که بر مذهب شیعهٔ دوازده‌امامی نبودند یا از آن آگاهی کافی نداشتند و همچنین تبدیل اقلیت شیعی به اکثریت، تحت تأثیر عواملی قرار داشت، که مؤسسات تعلیمی نهاد آموزش، نقش مهمی در جهت‌دهی آن داشتند. مدرسهٔ مهم‌ترین مرکز نهاد آموزش در دورهٔ صفوی به‌شمار می‌رفت و از حمایت‌های حکومت صفوی و دیگر اқشار بانفوذ جامعه برخوردار بود؛ از این‌رو، در این نوشتار تلاش خواهد شد، نقش مدارس در گسترش و تعمیق تشیع دوازده‌امامی در ایران عصر صفوی و تبدیل جامعه‌ای از اکثریت سنی به اکثریت شیعه واکاوی شود.

روند تأسیس مدارس در عصر صفوی

حکومت صفویه ابتدا با اعمال قدرت تلاش کرد، مذهب تشیع را گسترش دهد؛ از این‌رو، شمشیر صفویان در آغاز بیش از هر عامل دیگری در تغییر مذهب اهل سنت به‌کار

۱. مدرسه در عصر صفویه مهم‌ترین مرکز نهاد آموزش و به‌منزلهٔ آموزش‌عالی آن دوره به‌شمار می‌آمد. در این دوره طلاب پس از کسب تحصیلاتی مقدماتی که به‌طور معمول در مکتب‌خانه‌ها صورت می‌گرفت، به مدارس وارد می‌شدند.

گرفته شد.^۱ نویسنده حبیب‌السیر، در این باره چنین گزارش می‌دهد: «هنگام پیروزی صفویان به خطیبان دستور داده شد، خطبه به نام ائمه اثنی‌عشری بخوانند و پیش‌نمازان و مؤذنان همه بلاد در اوقات نماز همه رسوم مبتدعه را منسوخ و لشگریان از هر کس، امر مخالف مشاهده کردند، سر از تنش جدا کنند و لاجرم منقبت ائمه معصومین و دعای دوام دولت پادشاه بر منابر بلند گشت» [۲۰، ج ۴، ص ۴۶۷]. اما حکومت صفویه اندک‌اندک به این حقیقت پی برد که زور و شمشیر مناسب‌ترین راهکار تغییر مذهب نیست و ترویج بنیادین تشیع به وسیله‌ای دیگر نیازمند است و باید راهی دیگر جست. بنابراین، تعلیم و تربیت، به‌عنوان نهادی تأثیرگذار مورد توجه حکومت صفوی قرار گرفت و آنان برای پیشبرد اهداف خود به ایجاد مراکز آموزشی اهتمام ورزیدند که در آن تعلیم علوم دینی و معارف تشیع محور بود. از این‌گونه اقدامات می‌توان، به تأسیس مکتب‌خانه برای کودکان یتیم در شهرهای مختلف به دستور شاه تهماسب اول اشاره کرد، از آن جمله مکتب‌خانه‌ای در مجاورت حرم امام رضا (ع) بود که می‌بایست در آن چهل دختر و پسر زیر نظر معلمان شیعه تحصیل می‌کردند، هزینه آنان تأمین می‌شد و هرگاه به سن بلوغ می‌رسیدند، کودکان دیگری جایگزین آنان می‌شدند تا براساس مذهب تشیع تربیت شوند [۳، ج ۱، ص ۱۲۳].

تأسیس مدرسه به‌عنوان مهم‌ترین مرکز نهاد آموزش و پشتیبان ایدئولوژیک حکومت صفوی، همواره مورد توجه سلاطین و خاندان صفویه قرار گرفت. مدارس زیادی با حمایت‌های مالی شاه، خاندان سلطنتی، درباریان، صاحب‌منصبان و ثروتمندان خیر ساخته شد که ویژگی مشترک همه آن‌ها، اختصاص به مذهب رسمی کشور یعنی مذهب تشیع دوازده‌امامی بود و کسانی می‌توانستند در این مدارس تحصیل، تدریس یا حتی کار کنند که به مذهب تشیع امامیه معتقد باشند [۴، ج ۳، ص ۸۹-۹۰]. چنین چیزی در مدارس شهرهای مهم این دوره به‌روشنی مشاهده می‌شود؛ چنانکه در

۱. نویسنده تاریخ ایلچی نظام شاه که از نزدیک بعضی از وقایع اوایل عصر صفوی را دیده است، درباره به‌کارگیری زور برای تغییر مذهب به وسیله صفویان می‌نویسد: «پس از پیروزی شاه اسماعیل بر الوند میرزا در سال ۹۰۷ قمری تبرائیان در کوچه و بازار به آواز بلند به لعن مخالفان شیعه پرداختند، به‌حدی که کسی جرأت اظهار مذهب تسنن را نداشت» [۲۲، ص ۱۷].

شهرهای اصفهان، شیراز و مشهد تأسیس یا فعالیت حتی یک مدرسه غیر شیعی نیز گزارش نشده است.

مدرسه‌سازی در عصر صفوی از نظر کمی و کیفی روند رشدیابنده‌ای داشت. شاه اسماعیل اول (حک: ۹۰۷-۹۳۰) به دلیل مشکلات و گرفتاری‌هایی که ویژگی هر حکومت نوپسندی است، توجه زیادی به تأسیس مدارس و مساجد و بناهای دیگر نداشت اما با تثبیت حکومت صفوی و ایجاد ثبات سیاسی و در نتیجه پیشرفت اقتصادی، در کشور روند احداث مدارس سیر صعودی یافت. حضور علمای مهاجر به‌ویژه از جبل عامل در ایران، در راستای ترویج و تعمیق تشیع یکی از عوامل گسترش مدارس در نیمه اول عصر صفوی بود. بی‌گمان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فقیهان مهاجر به ایران محقق کرکی (د. ۹۴۰ق) است که در ترویج تشیع و تعلیم و تربیت طلاب در کنف حمایت مادی و معنوی حکومت صفوی، نقش مهمی را ایفا کرد [۳۶، ص ۲۴]. علمای مهاجر برای تدریس نیاز به مدرسه داشتند و به‌همین منظور مدرسی برای آنان ساخته شد، مانند مدرسه‌ای که در قزوین برای محقق کرکی و در هرات برای شیخ عزالدین حسین، پدر شیخ بهایی به‌وسیله شاه تهماسب و مدرسه "شیخ لطف‌الله" به‌وسیله شاه عباس اول برای تدریس شیخ لطف‌الله میسی در اصفهان بنا شد. مدرسه شیخ لطف‌الله همواره مورد توجه پادشاهان صفوی قرار داشت و دانش‌آموختگان برجسته‌ای همچون آقاجسین خوانساری (د. ۱۰۹۸) را پرورش داد [۱۱، ص ۲۹۷].

احداث مدارس از دوره شاه عباس اول (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸)، که اوج شکوفایی سیاسی و اقتصادی عصر صفویه به‌شمار می‌آید، اوج گرفت و همچنان تا پایان عصر صفوی روند صعودی داشت. بیشتر مدرسی که در عصر صفوی بنا شدند، متعلق به دوره شاه عباس اول و دوره پس از اوست؛ به‌گونه‌ای که از نظر کمیّت و کیفیت قابل مقایسه با دوره پیش از شاه عباس اول نیست. از این منظر، دوره انحطاط سیاسی عصر صفویه یعنی دوره حکومت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی مقارن با اوج تأسیس مدارس در عصر صفوی است. سلطان حسین صفوی، آخرین پادشاه صفوی، علاقه بسیاری به ساخت مدارس و مساجد مجلل داشت و مبالغه‌نگفتی در این راه هزینه کرد [۳۳، ص ۴۱۹]. باشکوه‌ترین مدرسه عصر صفوی از نظر معماری، امکانات رفاهی و از نظر

موقوفات، مدرسه «سلطانی» است،^۱ که در اواخر حکومت صفویه و طی مراسمی باشکوه فعالیت آموزشی آن آغاز شد. در مراسم افتتاح این مدرسه بسیاری از علما، بزرگان درباری و شخص شاه حضور داشتند [۱۹، ص ۶۵۴-۶۵۵]. یکی از حجره‌های مدرسه سلطانی به شاه حسین صفوی اختصاص داشت که گاهی برای کسب علم و گفتگو با علما در آن حضور می‌یافت [همانجا].

برای نشان دادن سیر صعودی گسترش مدارس در عصر صفوی می‌توان شهرهای مشهد و شیراز را مثال زد. در مشهد هفت مدرسه مهم ساخته شد که همه آنها مربوط به دوره شاه عباس اول و پس از او در عصر صفوی است. در شیراز عصر صفوی، حدود ده مدرسه مهم فعالیت آموزشی داشت که هشت مدرسه آن در دوره شاه عباس اول و پس از آن تأسیس شد. چنین روندی در سایر شهرهای عصر صفوی مانند اصفهان نیز، مشاهده می‌شود.^۲

یکی از عوامل رشد کمی و کیفی مدارس در عصر صفویه، گسترش نهاد وقف است. در سایه ثبات سیاسی و شکوفایی اقتصادی فراهم آمده در دوره شاه عباس اول، زمینه برای رشد هرچه بیشتر نهاد وقف فراهم آمد؛ به‌گونه‌ای که بعضی از نویسندگان، این دوره را «عصر وقف» نامیده‌اند [۱۶، ج ۲، ص ۹۱۳]. با رسمی شدن تشیع، این نهاد در خدمت مذهب تشیع درآمد. براساس اسناد وقفی موجود از عصر صفوی، پس از وقف بر مزار امامان و امامزادگان، وقف مدارس مهم‌ترین نوع موقوفات است [۲، ص ۱۴۸]. با توجه به تصرف نشدن و پایداری موقوفات، نیازهای مدرسه هرچند به‌صورت حداقلی تأمین و شرایط برای فعالیت مدارس برای مدت زمان طولانی فراهم می‌شد. سازمان اداری و مالی مدارس در این دوره به‌طور کامل وابسته به نهاد وقف بود، وقف‌نامه مدرسه به‌منزله آیین‌نامه و سند اجرایی و نظارتی مدرسه بود و متولی، مدرس و سایر کارکنان مدرسه از نظر شرعی و اخلاقی ملزم به رعایت مواردی بودند که در وقف‌نامه مدرسه ذکر شده بود. حکومت صفوی نیز نیک به اهمیت نهاد وقف در مدارس پی‌برده بود؛ زیرا از

۱. مدرسه سلطانی باشکوه‌ترین و معروف‌ترین مدرسه عصر صفوی به‌شمار می‌آید. این مدرسه را سلطان حسین در سال ۱۱۲۲ق. در سال‌های آخرین حکومت صفویه تأسیس کرد و طی مراسمی باشکوه فعالیت آموزشی خود را آغاز کرد.

این مدرسه در شرق خیابان چهارباغ واقع شده و به این دلیل به‌نام "چهارباغ" نیز شهرت دارد [۲۵، ص ۱۱۹].

۲. برای آگاهی بیشتر درباره مدارس عصر صفوی در سه شهر اصفهان، شیراز و مشهد [۸، ص ۳۴-۵۶].

رهگذر کنترل مادی مدارس، نظارت بر برنامه‌های آموزشی مدارس نیز میسر می‌شد. تأسیس مهم‌ترین مدارس عصر صفوی به وسیله شاهان صفوی و خاندان سلطنتی تأییدی بر این دعوی است. به‌طور طبیعی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های آنان از احداث مدرسه، ترویج مذهب تشیع دوازده‌امامی بود که به روشنی در وقف‌نامه‌های مدارس انعکاس یافته است. صدر، یکی از بازوهای مهم ترویج مذهب تشیع به‌ویژه در اوایل عصر صفوی، عالی‌ترین منصب در رسیدگی به امور موقوفات بود، از همین‌رو، اداره مدارس که به‌وسیله شاهان صفوی تأسیس می‌شد به نیابت از آنان به او واگذار می‌شد [۳۵، ص ۲-۳]. صدر نیز در راستای وظیفه‌اش، مدرسان و مسئولان مدرسه را تعیین و برنامه‌های آموزشی مدارس را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کرد که به گسترش و ترویج مذهب رسمی کشور بینجامد.

شاه عباس اول همه اموال، حتی انگشتری خود را وقف چهارده معصوم کرد [۳، ج ۲، ۷۶۰]. موقوفات شاه عباس چنان چشمگیر و گسترده بود که در ساختار دیوانی صفویان منصبی ویژه برای اداره آن به‌وجود آمد و متصدی آن «وزیر موقوفات چهارده معصوم» از مناصب مهم تشکیلات نهاد دین به شمار می‌رفت [۳۸، ص ۴۸-۴۹]. یکی از مهم‌ترین مصارف موقوفات چهارده معصوم، تأمین هزینه‌های طلاب و مدارس بود که شاه بانی آن بود، مانند مدرسه شیخ لطف‌الله. کمپفر^۱ سیاح آلمانی که در دوره شاه سلیمان صفوی از ایران دیدن کرد، درآمد موقوفات چهارده معصوم را برای کمک به مدارس و طلاب فقط در شهر اصفهان سالانه هزار و چهارصد تومان تخمین زده است [۳۲، ص ۱۴۳]. این گزارش می‌تواند، یک نمونه از اهمیت موقوفات را در تأمین هزینه‌های طلاب و مدارس به‌خوبی نشان دهد.

اهتمام حکومت صفویه به تأسیس مدرسه و نهاد وقف از نظر سیاحان خارجی دور نمانده است. کمپفر، اغلب شهرهای ایران را پر از مدرسه توصیف می‌کند و سبب آن را توجه شاه به تأسیس مدارس و پیروی خاندان سلطنتی و بزرگان درباری از او ذکر می‌کند و موقوفات قابل ملاحظه مدارس را ضامن بقای مدارس می‌داند [همانجا]. شاردن^۲ فرانسوی یکی از معروف‌ترین سیاحانی است که در دوره شاه سلیمان صفوی از

1. Kampfer.

2. Chardin.

ایران دیدن کرد. او در سفرنامه خود به معرفی مدارس اصفهان پرداخته و به گفته او فقط در این شهر حدود پنجاه مدرسه وجود داشت [۲۶، ص ۱۱۳].

توجه به مظاهر و شعائر فرهنگی تشیع در مدارس

یکی از مهم‌ترین اهداف تأسیس مدارس، صرف‌نظر از انگیزه‌های دیگر، گسترش و تثبیت مذهب تشیع بود. این هدف در وقفنامه‌های به‌جامانده از مدارس این دوره به‌روشنی مشاهده می‌شود؛ برای نمونه، در وقفنامه مدرسه "امامیه" اصفهان، هدف بنای مدرسه نشر علوم دینی و معارف یقینی و رواج و رونق اسلام ذکر شده است [۴۰]. بی‌گمان مقصود از معارف دینی و اسلام در اینجا علوم مربوط به مذهب دوازده‌امامی است.^۱

یکی از ویژگی‌های شاخص مدارس در عصر صفوی، توجه به مظاهر فرهنگی تشیع دوازده‌امامی است که در وقفنامه‌های عصر صفوی بسیار مشاهده می‌شود. در وقفنامه‌های مدارس این دوره برگزاری آئین و شعائر مذهبی شیعه، مانند برگزاری آیین سوگواری و روضه‌خوانی در ایام محرم یا روز شهادت امام علی (ع) و سایر مناسبت‌ها از شروط اصلی بسیاری از واقفان مدارس که عاملی مهم در نزدیکی مردم به مدارس و فراگیر شدن این مظاهر فرهنگی در میان توده‌های مردم بود. کمتر مدرسه‌ای را در عصر صفویه می‌توان یافت که به ترویج شعائر مذهبی شیعه اهتمام نداشته باشد؛ برای نمونه، واقف مدرسه "شفیعیه" اصفهان از متولی می‌خواهد که هر ساله در ایام محرم و روز شهادت حضرت علی (ع) در مدرسه روضه‌الشهداء خوانده شود [۴، ج ۴، ص ۲۱]. واقف مدرسه "نواب" مشهد سالیانه مبلغ بیست‌وپنج تومان برای عزاداری در ایام محرم در نظر گرفته است.^۲ مدارس که از موقوفات و امکانات مالی بیشتری برخوردار بودند، نقش پررنگ‌تری در این زمینه ایفا می‌کردند، بدیهی است مدرسه‌ای که به‌وسیله شاه صفوی و خاندان سلطنتی ساخته می‌شد، چنین شرایطی داشت؛ یعنی، بیشتر به برگزاری شعائر مذهبی شیعه اهتمام داشت. مدرسه سلطانی شاخص‌ترین نمونه در این زمینه است. در وقفنامه این مدرسه آمده است: در ماه رمضان هر شب چهل نفر از شیعیان از زن و مرد

۱. نکته شایان توجه اینکه، سایر فرق شیعه اجازه تحصیل و تدریس در این مدارس را نداشتند.

۲. رجوع شود به تصویر سنگ‌نوشته مدرسه نواب در مرکز اسناد اداره کل اوقاف خراسان.

اطعام شوند و افراد هرشب با شب‌های دیگر تفاوت کنند [۴، ج ۳، ص ۸۷]. همچنین در وقف‌نامه این مدرسه به شعائر مذهبی شیعه مانند تعزیه و روضه‌خوانی در ایام محرم و برگزاری اعیاد مذهبی به‌ویژه عید غدیر خم نیز تأکید شده و برای آنها مبالغ قابل توجهی تعیین شده است [۴، ج ۳، ص ۸۸-۸۹]. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد، که ذکر آنها سبب اطالۀ کلام می‌شود و بی‌تردید نشان‌دهندهٔ اهتمام مدارس عصر صفوی به اشاعۀ فرهنگ شیعی در جامعهٔ عصر صفوی است [۴۱].

مواد درسی مدارس

در عصر صفویه مدارس بسیاری به‌ویژه در شهرهای مهمی همچون اصفهان، مشهد و شیراز تأسیس شد و در مناطقی که امکان‌پذیر بود، مدارس پیشین به مذهب دوازده‌امامی اختصاص یافت، مانند مدرسهٔ «باباقاسم» اصفهان که در عصر صفوی به نام مدرسهٔ امامیه و این‌بار در قالب مذهب تشیع به فعالیت آموزشی خود ادامه داد.^۱ مدارس بازمانده از عصر تیموری در مشهد نیز چنین شرایطی داشتند. مدارس عصر صفوی از نظر متون درسی تفاوت‌هایی با مدارس پیش از خود داشتند. در نگاه کلان، متون درسی که با مذهب در ارتباط بودند، مانند فقه و حدیث تحت تأثیر مذهب رسمی قرار گرفتند. در این مدارس بستر مناسبی برای رشد و بالندگی فقه شیعه که می‌بایست مهم‌ترین نیازمندی‌های دینی و روزمرهٔ مردم و همچنین حکومت را تأمین کند، فراهم و بر دیگر مکاتب فقهی در عصر صفوی برتری یافت. البته سنت آموزشی حاکم بر مراکز علمی و مدارس شیعه در ایران پیش از صفویه، عقل‌گرا بود و عالمان شیعه بیشتر به علوم عقلی می‌پرداختند؛ یعنی، بیش‌تر حکیم بودند تا فقیه. این جریان تا دورهٔ تثبیت حکومت صفویه همچنان ادامه یافت و عالمانی مانند صدرالدین دشتکی، مصلح‌الدین لاری و میرزاجان شیرازی بیش‌تر به علوم حکمی توجه می‌کردند. با توجه به شرح حال مدرسان بزرگ دوره صفوی در سدهٔ دهم هجری و آثار آنان، چیرگی گرایش عقل‌گرا بر سنت آموزشی عالمان ایرانی به روشنی مشاهده می‌شود [۳، ج ۱، ص ۱۴۳، ۱۵۶]. سامان یافتن

۱. سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۴ ق. رقباتی را بر این مدرسه وقف کرد که وقف‌نامهٔ آن به شمارهٔ ۱۵۱۸۱ در کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

آثار علمی فراوان در حوزه‌های کلام، فلسفه و عرفان مذهب شیعه دوران پیش از صفویه، در رشد اندیشه این مذهب بسیار تأثیر گذارد، اما حوزه فقهی به‌ویژه فقه سیاسی، سرمایه علمی ناچیزی داشت. گزارش یافتن کتابی در فقه شیعه در آغاز استقرار حکومت صفویه، به انگیزه آموزش و اجرای احکام فقهی، این دعوی را تأیید می‌کند [۲۴، ص ۶۱]. از همین‌رو، تقویت فقه شیعه یکی از نیازمندی‌های اساسی حکومت و جامعه عصر صفوی بود. بنابراین، متون فقهی شیعه به‌صورت گسترده‌ای در مدارس مورد تعلیم و تعلم قرار گرفت که پیش از آن سابقه نداشت. افزون بر این، پس از ورود نخبگان و عالمان بزرگ شیعه از دیگر مناطق شیعه‌نشین (جبل عامل و بحرین) به ایران و تدریس در مدارس در کنار عالمان ایرانی، تکاپوهای علمی مدارس بر فقه شیعه متمرکز شد. دوازده‌تن از چهل‌وپنج عالم مهاجر عاملی به ایران به‌طور مشخص در تشکیلات دینی ایران عصر صفوی عنوان مدرس داشتند [42; pp.153-154].

حضور فقیهان مهاجر عاملی در مراکز علمی ایران، در رشد رویکرد فقهی درمقابل رویکرد حکمی بسیار تأثیرگذار بود، چنانکه شمار فراوانی از مدرسان بزرگ عصر صفوی از شاگردان بی‌واسطه و باواسطه آنان بودند. آثار فقیهان شیعه همچون محقق حلی، علامه حلی، شهید ثانی و بسیاری از متون مهجور شیعه مورد توجه قرار گرفت، شروح و حواشی بسیاری بر آنها نوشته شد [برای نمونه، ۱۸، ص ۱۵۳]. گزارش‌های بسیاری از تألیف، تدوین و نسخه‌برداری کتاب‌های فقهی در مدارس این دوره موجود است [برای نمونه، ۳۴، ج ۱۰۵، ص ۶۴، ۷۹]. *قواعد الاحکام علامه حلی*، نخستین کتاب فقهی است که در آغاز حکومت صفویه برای اجرای احکام فقهی مورد توجه قرار گرفت. این کتاب از متون اصلی درسی فقه در مدارس بود و گزارش‌های بسیاری از نسخه‌برداری و شرح و حاشیه آن در مدارس وجود دارد [۵، ج ۳، ص ۱۹۶]. *ارشاد الاذهان الی احکام دین* تألیف دیگر علامه حلی از دیگر متون درسی مهم فقه در مدارس عصر صفوی بود [۳۴، ج ۱۰۵، ص ۶۴، ۷۹]. *شرایع الاسلام* تألیف محقق حلی از دیگر آثار مورد توجه مدارس بود. ذکر سایر متون درسی سبب اطالۀ کلام می‌شود اما روشن است، اهتمام بسیار مدارس به متون فقهی از عوامل مهم و تأثیرگذار رشد تشیع فقاهتی در ایران بود. بنابراین، اندک‌اندک رویکرد فقاهتی بر رویکرد حکمی چیره شد، به‌گونه‌ای که از میانه عصر

صفوی، مراکز علمی و فقهی ایران مانند اصفهان و مشهد به مهم‌ترین کانون‌های فقهی شیعه بدل شد و مراکز دینی تشیع در عراق را تحت تأثیر قرار داد.

در مدارس عصر صفوی به علم حدیث نیز در کنار سایر علوم دینی توجه شد، به‌ویژه در نیمه دوم عصر صفوی، با رواج اندیشه اخباری به کتب اربعه حدیث توجه و به‌عنوان متون اصلی درسی بسیاری از مدارس تعیین شد [برای نمونه، ۵، ج ۳، ص ۱۶۳]. حتی در بعضی از مدارس مهم مانند مدرسه سلطانی، براساس وقف‌نامه مدرسه، تدریس یکی از کتب اربعه حدیث برای مدرس ضروری بود [۴، ج ۳، ص ۹۳]. آگاهی‌های بسیاری از تدریس، استنساخ، شرح و حاشیه بر این کتب در مدارس موجود است که پیش از آن سابقه نداشت. در کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی سیصدوبیست نسخه خطی از کتب اربعه موجود است که در ایران استنساخ شده که فقط یازده نسخه آن مربوط به عصر صفوی نیست، در بعضی از این نسخه‌ها به نام مدرسه محل استنساخ نیز اشاره شده است [۹؛ ص ۱۴]. بدون تردید این آمار می‌تواند، نشان‌دهنده تأثیر مدارس در گسترش معارف و متون شیعه به‌ویژه دانش حدیث در این دوره باشد.

افزون بر این، مدارس عصر صفویه نقش مهمی در جایگاه تولید و نشر کتاب داشتند. این نکته در دوره‌ای که صنعت چاپ در ایران هنوز رونق نیافته بود، بسیار مهم می‌نماید؛ زیرا تکثیر متون تنها از طریق نسخه‌برداری ممکن بود و هزینه فراوانی در پی داشت. از سوی دیگر، بیش‌تر طلاب از بضاعت مالی مناسبی برخوردار نبودند و مقرری آنان برای خرید متون درسی کافی نبود؛ بنابراین، متون درسی را خودشان استنساخ و حتی شماری از این راه هزینه‌های خود را تأمین می‌کردند [۱۳، ج ۴، ص ۳۰۷]. این پدیده نیز از عوامل تأثیرگذار در گسترش متون دینی تشیع در این دوره بود؛ زیرا بیش‌تر نسخه‌ها، آموزه‌های مذهب تشیع را در برداشتند. مجموعه این عوامل موجب غنای میراث مکتوب شیعه امامی در عصر صفوی شد.

تأثیر تربیت‌یافتگان مدارس در گسترش تشیع

با رسمی شدن مذهب شیعه در عصر صفویه، حکومت نیازمند عالمانی بود که بتوانند علاوه بر مشروعیت‌بخشی به حکومت صفوی، نیازهای دینی جامعه را برطرف و از حوزه‌های آموزش دینی حمایت کنند. شاه تهماسب اول (حک ۹۳۰-۹۸۴ق)، طی فرمانی

در سال ۹۷۶ق. دستور داد، در تمام مملکت مجالس وعظ منعقد شود و هیچ منطقه‌ای و جماعتی از وعظ و واعظ خالی نماند [۲۸، ص ۱۳۱]. بدیهی است، اجرای چنین فرمانی نیازمند نیروی انسانی فراوانی بود و مدرسه به‌عنوان مهم‌ترین مرکز نهاد آموزش، نقش عمده‌ای در تربیت کسانی ایفا کرد که به این مهم می‌پرداختند؛ زیرا مؤسسه‌ای غیر از مدرسه وجود نداشت که بتواند چنین نیرویی را برای تشکیلات دینی حکومت صفوی فراهم آورد.

در نتیجه حمایت‌های حکومت صفویه و تأسیس مدارس در شهرهای مختلف ایران، به‌ویژه شهرهای با اهمیت مانند اصفهان و شیراز، طلابی تربیت شدند که پایبند به مذهب رسمی بودند. تکاپوها و فعالیت‌های آموزشی مدارس سبب شد که در دوره میانی و پایانی حکومت صفویه، یعنی در دوران شکوفایی و همچنین دوران ضعف و انحطاط سیاسی حکومت صفوی، تعلیم‌یافتگان ایرانی و بومی مدارس به‌طور گسترده در سطوح مختلف نهاد دین به فعالیت پردازند و از طرق مختلف، مذهب تشیع را اشاعه دهند.

ابی‌صعب^۱، در بررسی تشکیلات دینی عصر صفویه به‌درستی به این نکته اشاره می‌کند. از اواسط حکومت صفوی به بعد بیشتر عالمان ایرانی که در مناصب مختلف دینی به فعالیت پرداختند، از کسانی بودند که در مدارس این دوره تعلیم یافته بودند. [42; p5]. صفت‌گل نیز در پژوهش ساختار دینی عصر صفویه، چنین نظری را تأیید کرده است [۲۷، ۲۰۵]. از این‌رو، می‌توان تشکیلات دینی متکی به عالمان ایرانی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز نهاد دین در راستای اشاعه مذهب رسمی کشور را از مهم‌ترین دستاوردهای تأسیس مدارس در عصر صفوی دانست.

تربیت‌یافتگان مدارس به صورت فزاینده‌ای در بخش‌های مختلف جامعه در سرتاسر ایران پراکنده شدند. آنان علاوه بر اینکه در نقش‌های مختلف جامعه به‌عنوان بخشی مهم از نهاد دینی برآورنده نیازهای حکومت بودند، نقش برجسته‌ای در زمینه‌سازی تعلیم و تربیت عمومی مردم براساس مذهب دوازده‌امامی و گسترش و تثبیت آیین تشیع در جامعه داشتند. نعمت‌الله جزایری یکی از معروفترین مدرسان مدارس اصفهان در مسیر بازگشت از اصفهان به شوشتر تعدادی از طلاب خویش را ملاقات کرد که در

1. Abisaab.

اصفهان نزد او تلمذ کرده بودند و حال به امور دینی اشتغال داشتند. او از اینکه توانسته بود، چنین شاگردانی را تربیت کند، بسیار خشنود شد [۱۳، ج ۴، ص ۱۷۵]. میرآصف قزوینی نمونه دیگری است که پس از کسب مهارت در علوم دینی از اصفهان به تفلیس و ایروان رفت و در مدرسه‌ای در آنجا به سمت مدرس منصوب شد و به ترویج علوم دینی پرداخت [۳۰، ص ۴۸]. طبعاً بدون تربیت‌یافتگان مدارس، مذهب تشیع نمی‌توانست در مناطق مختلف حکومت صفوی گسترش یابد.

مناطق که جمعیت قابل توجهی از آنان را اهل سنت تشکیل می‌دادند، مدرسه و مدرسان و تعلیم‌یافتگان مدارس می‌توانستند، نقش مهمی در ترویج مذهب تشیع داشته باشند. در منابع عصر صفوی گزارش‌هایی مبنی بر فرستادن طلاب مدارس به‌عنوان مبلغ مذهب تشیع به مناطق سنی‌نشین مانند بدخشان وجود دارد، چنین رویدادی را نویسنده وقایع‌السنین و الاعوام خود از نزدیک مشاهده کرده است [۱۹، ص ۵۳۱-۵۳۲]. افندی درباره شیخ عزالدین حسین، پدر شیخ بهایی، که مدتی در هرات به منصب شیخ‌الاسلامی و همچنین تدریس اشتغال داشت، می‌گوید: «در مدت هشت سالی که به تدریس و إفاده علوم دینی مشغول بود، توانست در شهر هرات که اکثریت آن اهل سنت بودند تعدادی از مردم هرات و نواحی اطراف آن را به تشیع بگرواند» [۵، ج ۲، ۱۳۴]. شیخ بهایی نیز پس از اینکه پدرش از سمت شیخ‌الاسلامی کناره گرفت و به خارج از ایران سفر کرد به مدت پنج سال در هرات حضور داشت و او نیز مانند پدرش برای رشد اندیشه‌های تشیع امامی و تربیت طلاب بسیار تلاش کرد [همانجا].

گزارش‌های بسیاری موجود است که بعضی از طلاب پس از تحصیل در مدارس به دیار خود بازمی‌گشتند و امور دینی و مذهبی را بر عهده می‌گرفتند [۲۳]. وضعیت بیشتر تربیت‌شدگان مدارس در شهرهای مهم معمولاً به این صورت بود که آنان پس از تعلیم و دریافت اجازه‌نامه^۱ به شهر و دیار خود بازمی‌گشتند و در آنجا در نقش‌های

۱. در نظام مدرسه‌ای عصر صفویه، طلاب مدرک یا گواهی‌نامه‌ای که نشان‌دهنده مرحله‌ای از تعلیمات یا پایان آن باشد، دریافت نمی‌کردند، آنچه در دوره‌های گذشته می‌توان از آن به‌عنوان مدرکی برای تحصیلات طلاب و پشتوانه علمی آنان در این دوره سخن گفت، اجازه‌نامه‌هاست که تاحدی مانند دانشنامه‌های کنونی است. هر طلبه‌ای پس از ابراز لیاقت، استعداد و صلاحیت انتقال افکار و عقاید استاد به دیگران، موفق به دریافت اجازه

مختلف دینی همچون امامت جماعت، مدرس، قضاوت و ... به فعالیت می‌پرداختند. البته معمولاً طلاب برجسته و آنان که مورد توجه مدرسان و رجال با نفوذ قرار می‌گرفتند، در شهرهای مرکزی و مهم باقی می‌ماندند و سمت مدرسی یا سایر مناصب مرتبط با ساختار دینی را برعهده می‌گرفتند. در منابع شرح احوال، طلاب بسیاری از شهرهای مختلف در مراکز علمی مثل اصفهان و شیراز مشاهده می‌شوند که پس از کسب علم و دریافت اجازه‌نامه راهی دیار خویش می‌شدند و مناصب شرعی را در آنجا برعهده می‌گرفتند، مانند ملاحسن بن سالم گیلانی (د. حدود ۱۱۰۶ق) که پس از تحصیل در مدارس اصفهان و بهره بردن از مدرسانی چون محقق خوانساری، محقق سبزواری و محمدتقی مجلسی و طی نمودن مدارج ترقی به شیخ‌الاسلامی زادگاهش، گیلان منصوب شد [۲۹، ص ۲۹۰-۲۹۱]. میرزاعلی خان ذوالفقار گلپایگانی، شاگرد دیگر آقا حسین خوانساری، شیخ‌الاسلام و مسئول امور شرعی و عرفی مردم گلپایگان شد [۲۹، ص ۳۵۶]. محمدهاشم همدانی از علمای اواخر عصر صفویه در مدارس اصفهان کسب علم کرد و پس از آن به دیارش همدان بازگشت و به تدریس اشتغال یافت [۱، ص ۸۱۳]، یا شیخ علی دورقی (د. ۱۰۳۰ق) پس از کسب علوم دینی در مدارس شیراز و از مدرسانی مانند شاه ابوالولی، به منصب قضای بصره دست یافت [۱۵، ص ۱۵۷].

تربیت‌یافتگان مدارس، آنانی که نمی‌توانستند به مناصب مختلف دینی دست یابند یا تمایلی به آن نداشتند، اغلب در نقش‌های دیگری مانند پیش‌نماز مساجد، خطیب و واعظ به تبلیغ مذهب تشیع می‌پرداختند. تاورنیه^۱ در این باره می‌نویسد: تربیت‌یافتگان مدارس در سطح پایین‌تر به کار آموزش دینی در مکتب‌خانه‌ها، پیش‌نمازی و وعظ می‌پردازند [۱۰، ص ۵۹۸]. جملی کاری،^۲ که در دوره شاه سلیمان به ایران آمد و در مراسم به تخت نشستن او نیز حضور داشت، به تشکیل مجالس مذهبی در دوره صفویه اشاره می‌کند که در آن شیعیان به همراه یکی از استادان علوم دینی یا ملاها به تفسیر قرآن و دعا می‌پرداختند [۱۷، ص ۱۵۳].

می‌شد و این بدان معنا بود که تحصیلات آن طلبه در رشته تحصیلی یا ماده درسی نزد استاد (اجازه‌دهنده) به پایان رسیده است.

1. Tavernier.
2. Gemelli Careri.

از مطالعه شرح احوال جامع مفیدی یزد که از تواریخ محلی ارزشمند در عصر صفویه است، اهمیت مدارس در تأمین نیروهای انسانی نهاد دینی حکومت صفویه بیشتر روشن می‌شود. بیشتر عالمان، مدرسان و رجال دینی این شهر در مدارس اصفهان تحصیل کرده بودند که از جمله آنان می‌توان به سیدعبدالهادی نائب صدارت یزد اشاره کرد [۷، ص ۳۷۰].

طبعاً مدرسی که به شاه و خاندان سلطنتی وابسته یا مدرسان آن در دستگاه حکومت صفوی نفوذ داشتند و از عالمان برجسته به شمار می‌آمدند در این زمینه نقش مهم‌تری داشتند. مدرسه "جده کوچک" و "جده بزرگ" چنین مدرسی بودند که به وسیله خاندان سلطنتی تأسیس شدند و با توجه به نفوذ و شهرتی که مدرسان آنها آقاحسین خوانساری (د. ۱۰۹۹ق) و آقاجمال خوانساری (د. ۱۰۲۲) داشتند، تعداد قابل توجهی از تعلیم‌یافتگان این مدارس در شهرهای عصر صفوی و در نقش‌های مختلف اجتماعی به فعالیت پرداختند و از این منظر، مدرسه‌ای بی‌بدیل در عصر صفوی در نیمه دوم سده یازدهم و سه دهه اول قرن دوازدهم هجری به‌شمار می‌آید. با بررسی شرح احوال عالمان دینی این عصر، افراد بسیاری مشاهده می‌شوند که در این مدرسه تحصیل کرده‌اند [برای نمونه ر. ک. ۱۸، ص ۱۵۹]. نصرآبادی در موارد متعدد به شاگردان این مدرسه اشاره کرده که تعداد زیادی از آنها در نقش‌های مختلف دینی به فعالیت اشتغال داشتند [۳۷، ص ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۱۵].

مدرسه "شیخ لطف‌الله" در اصفهان نیز از دیگر مدارس مهم در این زمینه است.^۳ محمدزمان تبریزی از طلاب و سپس از مسئولان این مدرسه بود. او ضمن اشاره به

۱. این مدرسه در بازار بزرگ اصفهان، معروف به قهوه کاشی‌ها واقع شده است. براساس لوحی مرمزی که بر دیواره یکی از غرفه‌های شمالی مدرسه نصب شده است، این مدرسه به‌دستور دلارام خانم، همسر شاه عباس اول و جده بزرگ شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۶ق. تأسیس شد [۳۹، ص ۵۵۴].

۲. مدرسه جده بزرگ را حوری خانم جده دیگر شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۸ق. تأسیس کرد. نصرآبادی از این مدرسه با عنوان مدرسه «والده شاه صفی» یاد می‌کند [۳۷، ص ۳۷-۳۸].

۳. این مدرسه را شاه عباس اول برای تدریس شیخ لطف‌الله میسی تجدید بنا کرد. در منابع عصر صفوی از مدرسه‌ای به نام «خواجه ملک» سخن گفته شده است که پیش از عصر صفوی بنا شده بود و عالمی همچون شیخ بهائی، آقاحسین خوانساری و دانشمندان بزرگ دیگری در آن تدریس یا تحصیل کردند. از بررسی منابع چنین به نظر می‌آید که مدرسه شیخ لطف‌الله، همان مدرسه خواجه ملک بوده است که شاه عباس اول آن را تجدید بنا کرد و

اهمیت این مدرسه در تعلیم و تربیت علمای سرشناس و برجسته، اسامی تعدادی از آنان را نام می‌برد [تبریزی، ۱۱، ص ۲۹۴-۲۹۵]. تبریزی در دوره‌ای که در این مدرسه مقیم بود، در حجره‌ای سکونت داشت که پیش از آن در اختیار محمدباقر خاتون‌آبادی بود و از این جهت به خود می‌بالد (همانجا). او در ادامه، این مدرسه را از نظر اهمیت تعلیم‌یافتگانش در گسترش مذهب تشیع به مدرسه نظامیه تشبیه می‌کند [۱۱، ص ۲۹۶]. نقش مدارس در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز نهاد دین در عصر صفوی مورد توجه برخی از سیاحان اروپایی نیز قرار گرفته است، کمپفر در این باره می‌گوید:

«از کسانی که در مدرسه مقیم هستند، آنان که از دیگران کوشاتر باشند به مناصب عالی دینی می‌رسند؛ یعنی بعدها، قاضی و شیخ‌الاسلام می‌شوند و حتی به صدارت نیز می‌رسند و این به شرطی است که مورد لطف و عنایت کسانی باشند که بتوانند آن‌ها را برای رسیدن به این مناصب یاری کنند» [۳۲، ص ۱۴۳].

برای نشان دادن تأثیر مدارس در ترویج و نهادینه کردن تشیع در جامعه عصر صفوی، به‌عنوان نمونه می‌توان به تأثیرگذاری مدرسه سیدنعمت‌الله جزایری در شوشتر اشاره کرد. نعمت‌الله جزایری (د. ۱۱۱۲ق) در یازده سالگی، بدون اینکه نام و نشانی از یک خاندان علمی یا ثروتمند و مشهور داشته باشد، شهر و دیار خود را ترک کرد و برای تحصیل علوم دینی رهسپار شیراز شد و در مدرسه «منصوریه» به تحصیل پرداخت [۱۲، ص ۳۶]. او پس از حدود نه سال به اصفهان رفت و در مدارس این شهر نزد مدرسانی همچون محمدباقر مجلسی کسب علم کرد و سپس به یکی از مدرسان معروف و معتبر اصفهان تبدیل شد. او پس از مدتی رهسپار شوشتر شد و حاکم آنجا، فتحعلی خان کلانتر، که مردی دانش‌دوست

چون شاه عباس، شیخ لطف‌الله را به‌عنوان مدرس و مسئول رسیدگی به امور مدرسه انتخاب کرد، به مدرسه شیخ لطف‌الله شهرت یافت. نویسنده *نقاوة الآثار* این مدرسه را که در مقابل باغ نقش جهان قرار دارد همان مدرسه خواجه ملک ذکر می‌کند [۶، ص ۵۳۹].

۱. مدارس نظامیه در دوره سلجوقیان و به‌وسیله خواجه نظام‌الملک طوسی تأسیس شد و به مذهب شافعی اختصاص یافت. بعضی از تعلیم‌یافتگان این مدارس در مناصب سیاسی، اجتماعی و دینی گمارده می‌شدند [۳۱، ص ۱۸۵-۱۸۶].

بود، کاروانسرای را تبدیل به مدرسه کرد^۱ تا نعمت‌الله جزایری در آن تدریس کند [۱۲]، ص ۳۵]. طلاب بسیاری جذب این مدرسه شدند و جزایری تا پایان حیات در این مدرسه به تعلیم طلاب اشتغال داشت. نویسنده تذکره شوشتر، درباره تأثیر این مدرسه و تعلیمیافتگانش در عصر صفوی می‌نویسد: «به سبب وجود سید نعمت‌الله جزایری محاسن شرع در شوشتر رونق یافت» [۱۴، ص ۱۳۳]. او در ادامه در مورد تعلیم‌یافتگان مدرسه جزایری می‌افزاید: «نعمت‌الله جزایری در هر محله، یکی از اعظم شاگردانش را به امامت جماعت و وعظ معین کرد؛ مثل آخوند ملا محمد بن علی النجار و ... و از آن وقت تاکنون جمیع علمای این نواحی بی‌واسطه یا با واسطه نسبت تلمذ به آن جناب می‌رسانند» [همانجا]. این مدرسه به‌عنوان نمونه می‌تواند، نقش و تأثیر مدارس و تعلیم‌یافتگان آن را در گسترش و تثبیت تشیع در جامعه عصر صفوی نشان دهد.

نتیجه‌گیری

در ابتدای عصر صفویه اشاعه مذهب تشیع بیشتر با اعمال خشونت انجام پذیرفت، اما پس از مدتی، اعمال زور به مفهوم اولیه خود نمی‌توانست، کارایی مطلوب را داشته باشد؛ از این رو، وظیفه اشاعه و ترویج مذهب تشیع به نهاد آموزش و اهل علم واگذار شد. مدرسه به‌عنوان مهم‌ترین مرکز نهاد آموزش، مورد توجه قرار گرفت و با بهره‌مندی از درآمد مناسب موقوفات، تا حد ممکن به مذهب تشیع اختصاص یافت، به طوری که تحصیل و تدریس در آن‌ها فقط برای کسانی ممکن بود که به مذهب رسمی کشور پایبند بودند. احداث مدارس در عصر صفویه مورد حمایت حکومت صفویه قرار گرفت؛ در نتیجه، از نظر کمی و کیفی گسترش یافت و روند صعودی خود را همچنان تا پایان این دوره ادامه داد. مدارس عصر صفوی اهتمام بسیاری به برگزاری شاعر مذهبی شیعه داشتند و از این طریق فرهنگ تشیع را در میان توده‌های مردم ترویج می‌کردند. بر اثر تکاپوی مدارس، معارف شیعه دوازده‌امامی در ایران بسیار رونق یافت و بسیاری از متون فقهی و حدیثی شیعه که پیش از آن در مهجوریت بود در فعالیت‌های آموزشی مدارس مورد توجه قرار گرفت و در گسترش اندیشه علمی شیعه تأثیر گذارد. مدرسه به‌منزله

۱. این مدرسه اکنون نیز با نام مدرسه "جزایریه" در شوشتر معروف و دایر است [۱۲، ص ۳۵].

یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های عالمان شیعه در تعلیم و تربیت طلاب نقش برجسته‌ای ایفا کرد. تربیت‌یافتگان مدارس، به‌ویژه مدارس که از حمایت شاه و خاندان سلطنتی برخوردار بودند یا مدرسان آن‌ها در دستگاه حکومت صفوی نفوذ داشتند، در قالب نقش‌های مختلف در گسترش تشیع و انتقال فرهنگ و معارف شیعی به جامعه تأثیرگذار بودند.

منابع

- [۱] آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن (۱۳۷۲ هـ ش). *الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة*. تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- [۲] احمدی، نزهت (۱۳۹۰ هـ ش). *درباب اوقاف صفوی: مجموعه مقالات*. تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- [۳] اسکندریبگ ترکمان (۱۳۸۲ هـ ش). *تاریخ عالم آرای عباسی*. تصحیح ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- [۴] اشکوری، سیدصادق (۱۳۸۷ هـ ش). *اسناد موقوفات اصفهان*. زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه اصفهان، قم، مجمع ذخائر اسلامی.
- [۵] افندی، میرزا عبدالله (۱۴۰۱ هـ ق) *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*. تحقیق سیداحمد الحسینی، قم، مطبوعه الخیام.
- [۶] افوشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله (۱۳۷۳ هـ ش). *نقاوة الاثار فی ذکر الاخیار*. تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۷] بافقی، محمد مفید نجم‌الدین محمود (۱۳۴۰ هـ ش). *جامع مفیدی*. به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اسلامی.
- [۸] بخشی استاد، موسی‌الرضا (۱۳۹۲ هـ ش). *جایگاه مدرسه در عصر صفوی*. تهران، یاسین نور.

- [۹] -----؛ احمدی، زهت (۱۳۹۲ هـ ش). «تأثیر علمی مدارس در عصر صفوی». پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام، سال سوم، شماره یازدهم، پاییز، ص ۷-۲۷.
- [۱۰] تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶ هـ ش). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه ابوتراب نوری، تهران، انتشارات تأییدیه اصفهان.
- [۱۱] تبریزی، محمدزمان (۱۳۷۳ هـ ش). *فرائد الفوائد در احوال مساجد و مدارس*. به کوشش رسول جعفریان، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب.
- [۱۲] جزایری، سیدمحمد (۱۴۱۸ هـ ق). *نابغه فقه و حدیث سید نعمت‌الله جزایری*. قم، مجمع فکر اسلامی.
- [۱۳] جزایری، سید نعمت‌الله (؟). *الانوار النعمانیة*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- [۱۴] جزایری شوشتری، عبدالله (۱۳۸۸ هـ ش). *تذکره شوشتر*. تصحیح مهدی کدخدایی، اهواز، نشر تراوا.
- [۱۵] جزایری تستری، عبدالله بن نورالدین (۱۴۰۹ هـ ق). *الاجازة الکبيرة*. قم، مکتبه مرعشی نجفی.
- [۱۶] جعفریان، رسول (۱۳۷۹). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*. قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- [۱۷] جملی کارری، جووانی فرانچسکو (۱۳۸۳ هـ ش). *سفرنامه کارری*. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۸] حزین لاهیجی، محمدعلی (۱۳۷۵ هـ ش). *تاریخ و سفرنامه حزین*. تصحیح علی دوانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- [۱۹] حسینی خاتون آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲ هـ ش). *وقایع السنین و الاعوام*. تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- [۲۰] خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۶۲ هـ ش). *حبیب السیر*. تهران، انتشارات خیام.
- [۲۱] خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۲ هـ ق). *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*. تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، مکتبه اسماعیلیان.

- [۲۲] خورشاه، قبادالحسینی (۱۳۷۹ هـ ش). *تاریخ ایلچی نظام شاه*. تصحیح محمد نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- [۲۳] رضوی کاشانی، عبدالحی بن عبدالرزاق، *حدیقة الشیعه*. نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۹۰۸۳.
- [۲۴] روملو، حسن (۱۳۴۲ هـ ش). *احسن التواریخ*. تصحیح نارمن سیدن، تهران، انتشارات کتابخانه صدر.
- [۲۵] سپینتا، عبدالحسین (۱۳۴۶ هـ ش). *تاریخچه اوقاف اصفهان*. اصفهان، اداره کل اوقاف اصفهان.
- [۲۶] شاردن، ژان (۱۳۳۰ هـ ش). *سفرنامه بخش اصفهان*. ترجمه حسین عریضی، [بی-جا] چاپخانه راه نجات.
- [۲۷] صفت گل، منصور (۱۳۸۱ هـ ش). *ساخت نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*. تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- [۲۸] عبدی بیگ شیرازی، زین‌العابدین علی (۱۳۶۹). *تکملة الاخبار*. تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی.
- [۲۹] فاضل خوانساری، محمدحسن (۱۳۷۸ هـ ش). *محقق خوانساری: شرح حال و آثار آقا حسین بن جمال‌الدین محمد خوانساری*. قم، مؤسسه علمی فرهنگی فاضل خوانساری و مجمع ذخائر اسلامی.
- [۳۰] قزوینی، عبدالنبی (۱۴۰۷ هـ ق) *تتمیم‌آمل‌الامل*، تحقیق سیداحمد الحسینی، قم، مکتبه آیه‌الله مرعشی.
- [۳۱] کسائی، نورالله (۱۳۷۴ هـ ش). *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*. تهران: امیرکبیر.
- [۳۲] کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰ هـ ش). *سفرنامه کمپفر*. ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی.
- [۳۳] لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳ هـ ش). *انقراض سلسله صفویه*. ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- [۳۴] مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ هـ.ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت، مؤسسه الوفاء.
- [۳۵] میرزا سمیع، محمدسمیع (۱۳۷۸ هـ.ش). *تذکره الملوک، به کوشش سیدمحمد دبیر سیاقی، تهران، امیرکبیر*.
- [۳۶] المهاجر، جعفر (۱۴۱۰ هـ.ق). *الهجرة العاملة الى ايران في عصر الصفوی*. دارالروضة، بیروت.
- [۳۷] نصرآبادی، میرزا محمدطاهر (۱۳۶۱ هـ.ش). *تذکره نصرآبادی*. تصحیح وحید دستگردی، [بی‌جا]، کتابفروشی فروغی.
- [۳۸] نصیری، علی‌نقی (۱۳۷۲ هـ.ش). *القاب و مواجب دوره صفویه*. تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد، انتشارات فردوسی.
- [۳۹] هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۰ هـ.ش). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. تهران، انتشارات کتابفروشی ثقیفی.
- [۴۰] وقف‌نامه مدرسه امامیه اصفهان. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۵۱۸۱.
- [۴۱] وقف‌نامه مدرسه باقریه. اداره کل موقوفات استان خراسان، شماره ۵۷.
- [42] Abisaab, Rula jurdi (2004). *Converting Persia: Religion and Power in the Safavid Empire*, International Library of Iranian Studies, Tauris, London.
- [43] Turner, Colin (2000). *Islam without Allah: The Rise of Rreligious Externalism in Safavid Iran*, Curzon Press. Britain.